

کارگر خباز کیست ؟

(نگاهی به شرایط کار کارگران خباز و اعتراض های اخیر کارگران خبازسقز)

منبع

<http://www.komitteyehamahangi.com/post921.htm>

خبازی کارگاهی است که همه کارگران آن در یک مکان معین و در زیر یک سقف نیستند و هر خبازی در یک نقطه شهر و یا روستا قرار دارد. به این دلیل کارگران خباز در سطح شهر و در تمام جامعه، پراکنده و در بین مردم کار و زندگی می کنند. ارتباط آنها با مردم، به صورت روزمره وجود دارد و روزانه خانواده های بسیاری برای خرید نان، گذرشان به آنجا می خورد. به این دلیل، کارگران خباز به جزئی از خانواده شهروندان، تبدیل شده اند و عموم مردم، یعنی مشتریان دایمی خبازی ها، با شرایط کار و زیست این کارگران آشنا هستند. بنابراین لازم دیدم برای آشنایی بیشتر خوانندگان و دیگر دوستان کارگر، نگاهی به موقعیت و مشکلات این بخش از طبقه کارگر و اعتراضات اخیر کارگران خباز شهر سقز داشته باشم. امیدوارم که مطالعه این نوشته، مورد استفاده دوستان کارگر و بخصوص کارگران خباز قرار بگیرد.

کارخبازی یکی از مشاغل می باشد که صدها کارگر را به خود مشغول کرده است. در بسیاری از شهرها، کودکان از سن ۶ تا ۱۰ سالگی وارد کارگاه خبازی شده، تا کمک خرجی برای خانواده خود شوند. این کارگران کوچک از همان ابتدای زندگی خود، به جای اینکه به مدرسه رفته و تحصیل کنند، باید هر روز ساعت ۴ صبح تا ۸ شب، با دستمزدی ناچیز کار می کردند و با برخورد غیر انسانی کارفرمایان نیز مواجه بودند. آنها از همان روزی که وارد محل کار می شوند، احساس نابرابری می کنند و همیشه دنبال راهی هستند که خود را از جملات رکیک، کتک کاری های روزمره یا برخورد های تحقیر آمیز کارفرما نجات دهند. بسیاری از کارگران خباز بارها از سوی کارفرماها، مورد حمله فیزیکی قرار می گیرند و اگر روزی در این رابطه فراخوانی داده شود، من اولین نفری هستم که آثار به جا مانده از کتک کاری و شکنجه بدنی دوران کودکی ام را به معرض دید همگان خواهم گذاشت.

کار در خبازی به عنوان شغل سخت و زیان آور شناخته می شود، اما تعداد زیادی از کارگران به سن بازنشستگی نرسیده و فوت کرده اند. چرا که کارفرمایانی زیادی هستند که از بیمه کارگران خودداری کرده و یا همسران خود را به جای کارگران بیمه می کنند. در چنین شرایطی اگر کارگران دور هم جمع شده و می خواستند به فکر چاره ای برای اعتراض به این وضعیت باشند، مورد تعرض کارفرما قرار می گرفتند و اخراج می شدند. پس از اخراج کارگر، کارفرمای دیگری حق نداشت او را به کار بگیرد.

مواردی را نیز به یاد دارم که کارگر خبازی به دلیل شرایط بد کاری، از دست کارفرما فرار کرده و برای کار به شهرهای دیگر ایران رفته، اما کارفرما او را با زور و کتک کاری به سقز باز گردانده است. زمان شاه من با چند نفر از کارگران در یکی از خبازی های شهر کار می کردم، یکی از کارگران (که لازم نمی دانم نام او را ببرم)، دیر از خواب بیدار شده بود، کارفرما به درب منزل او می رود و کارگر بیچاره را بیرون آورده و یک پارچه قرمز رنگ به نشانه عروس، روی سرش می اندازد و او را با شادی و کف زنان، در میان مردم شهر به مغازه آورد.

از آن روز به بعد، من و دیگر کارگران احساس کردیم که باید برای خلاصی از این همه بی حرمتی کاری بکنیم. اما چگونه و از چه راهی باید با این شرایط مقابله می کردیم؟ این را نمی دانستیم. تنهای کاری که بلد بودیم و همیشه آن را تبلیغ می کردیم فرار به دیگر شهرها بود. اگر امروز در برخی از شهرهای ایران، کارگران خباز سقزی فراوان است، یکی از دلایلیش همین مسئله و دلیل دیگر، بیکاری روزافزون این منطقه است. این کارگران در اوج نا امیدی، همیشه دنبال راهی بودند که بتوانند یک زندگی دور از تحقیر و بی حرمتی داشته باشند. بعد از انقلاب ۵۷ نیز، هر زمان به شرایط نامطلوب کاری معترض می شدیم، بلافاصله آرم کومله به پیشانی ما می زدند و هنوز هم با این اتهام، ما را سرکوب می کنند و از ادامه راه باز می دارند. کارفرمایان بر اساس منافع خودشان، هر کاری که لازم بدانند بر علیه ما کارگران انجام می دهند.

کارگران خباز همواره در دفاع از مطالبات خود، در حال جدال و کشمکش با کارفرمایان هستند و این امر باعث اتحاد هر چه بیشتر آنها شده است. حتی این اعتراض ها تا آنجا پیش رفته که در مواردی، کارگران خباز برای رسیدن به خواسته های خود، دست از کار کشیده اند. اولین اعتصاب کارگران خباز در دوره حکومت رضا شاه بود که آنها خواهان ایجاد تشکل خود شدند و با این اعتراض دولت وقت، " سندیکای کارگران خباز تهران و حومه " را به رسمیت شناخت.

کارگران خباز سقزی نیز در هر شرایطی، برای متحقق شدن خواسته های خود و ایجاد تشکل خود ساخته، تلاش های فراوانی کرده اند و بارها نیز مورد سرکوب دولت های مختلف بوده و نمایندگان شان به زندان افتاده اند. اگر چه تشکل خود ساخته کارگران خباز، مورد تعرض قرار گرفته و درب آن پلمب می شد، اما آنها هیچ وقت نا امید نشده و مبارزه خود را برای داشتن حق تشکل و افزایش دستمزدها ادامه داده اند. کارگران خباز اولین صنف کارگری شهر سقزی بودند که در بهار سال ۱۳۵۸، اقدام به تشکیل سندیکای تازه تاسیس خود نمودند. سپس آنها طی یک اطلاعیه ای اعلام کردند که برای افزایش دستمزدها، دست از کار می کشند و در محل سندیکا اعتصاب خود را شروع کردند. خواست کارگران این بود که دستمزدها باید یک برابر اضافه شود و کارفرمایان موظف اند کارگران خود را بیمه نمایند. این اعتصاب بعد از کار روزانه یعنی از ساعت ۸ شب تا ۳ نیمه شب ادامه داشت که در نتیجه، کارفرمایان خواست کارگران را قبول کردند و کارگران هم اعتصاب خود را شکستند.

خبازی های سقزی فعالین زیادی را به جنبش کارگری ایران تقدیم کرده است. از جمله آنها می توان از عبدالله خوش پیام، محمود محمدی اخکند، رحمان محمدی اخکند، عبدالحمید کریمی (شاطر حامد) و در این سالهای آخر محمد عبیدی پور، جلال حسینی، را نام برد. کارگران و فعالین خباز همواره با حربه سرکوب مواجه شده و یا توسط مامورین امنیتی بازداشت و زندانی شده اند. برخی از آنها بر اثر فشارهای پلیسی، از شهر و دیار خود مهاجرت کرده و در شهرهای ایران و یا در کشورهای دیگر، مشغول به کار شده اند.

به دنبال تصرف شهر سقزی توسط نیروهای نظامی دولت و پلمب سندیکای کارگران خباز، عده ای از کارفرمایان از فعالین کارگری که سابقه دفاع از مبارزه طبقاتی کارگران داشتند، شکایت کردند. این امر باعث شد که این چهره های سرشناس کارگری از شهر خارج شوند و سندیکای کارگران خباز عملاً بسته شد.

در سال های بعد، کارگران خباز سقزی، مراسم ها و جلسات خود را برای حل مشکلات شان را در خارج از شهر برگزار می کردند. همچنین اعتراض های خود را نسبت به شرایط نامطلوب کاری شان را به طور انفرادی انجام می دادند که برای کارگران معترض هیچ نتیجه ای حاصل نمی شد. سال ۱۳۷۳ جمع کثیری از کارگران خباز تصمیم گرفتند که به هر طریقی که شده سندیکای خود را تاسیس کنند. در این سال، انجمن

صنفي كارگران خباز سقز اعلام موجوديت كرد و فعاليت خود را آغاز كرد. نمايندگان كارگران قبل از هر چيز روي چند نکته اساسي تاكيد كردند كه بايد به دست بياورند:

۱ - بيمه كليه كارگران در محل كار.

۲ - عقد پيمان دسته جمعي با نماينده كارفرما.

۳ - آموزش كارگران در مورد مسائل كارگري.

۴ - تشكيل كلاسه‌هاي نهضت سواد آموزي در سنديكا و زير نظر هيئت مديره.

اين چهار بند در دستور كار نمايندگان خباز قرار گرفت و براي به دست آوردن آن تلاش هاي زيادي به عمل آمد.

از همان ابتداي تشكيل انجمن، بارها نمايندگان كارگران از طرف كارفرمايان، مورد حمله قرار گرفتند و آنها را تهديد مي كردند كه استعفا دهند. اين اقدام در اراده نمايندگان در دفاع از هم طبقه اي هاي خود، تاثيري نداشت. كارفرمايان راه ديگري را در پيش گرفتند: عده اي از آنها، اين بار از طريق مسئولين امنيتي اقدام كردند و از آنها خواستند كه نمايندگان كارگران را به عنوان " كمونيست و كومه و..." تحت پيگرد قضايي قرار دهند. مامورين امنيتي نيز نماينده ها را تحت فشار گذاشتند كه استعفا دهند، اما چون نتيجه اي نگرفتند، اداره اطلاعات در سال ۱۳۷۸ اقدام به دستگيري ابراهيم كريمي، محمود صالحی، محمد عبيدي پور و جلال حسيني نمود و آنها مدت زيادي را در بازداشت بسر بردند.

كارگران خباز سقز، اولين كساني بودند كه بعد از ده ۶۰ مراسم روز جهاني كارگر را به داخل شهر ها هدايت كردند (۱۳۷۶) و براي اولين بار مراسم روز جهاني كارگر را به خيابانها شهر آوردند كه در اين مراسم ده ها نفر از كارگران دستگير شدند. (۱۳۸۳) با اين پيشينه مختصر مي خواهيم به اعتراض اخير كارگران خباز بيردازم.

اعتراض هاي اخير كارگران خباز سقز و نتايج آن

كارگران خباز سقز هر ساله براي عقد پيمان، با مشكلاتي روبرو بوده اند و نماينده كارفرما هيچ وقت به ميل خود حاضر به عقد پيمان با نماينده كارگر نمي شد. چند سال است كه اين نماينده با حمايت بعضي از مسئولين شهر، حاضر به نشست با نماينده كارگر نبوده و اگر هم در اين جلسه شركت مي كرده، بي نتيجه پايان مي يافت. اين كارشكني باعث مي شد كه ابتداي هر سال، بعد از مذاكرات طولاني و يا حتي با اعتصاب كارگران، نماينده كارفرما ناچار مي شد كه تن به قرارداد و پيمان دسته جمعي بدهد. به همين دليل در سال هاي گذشته در مواردی حتى ۶ ماه از سال هم مي گذشت، بدون اينكه دستمزد كارگران خباز افزايش داشته باشد.

امسال هم نماينده كارگران خباز سقز از اسفند ماه سال گذشته، از نماينده كارفرما درخواست نمود تا براي عقد پيمان، تشكيل جلسه دهند، اما هر بار نماينده كارفرما از حضور در جلسه امتناع مي كرد. به اين ترتيب كارگران وقتي سخنان نماينده هاي خود را در اين باره شنيدند، تصميم گرفتند كه خودشان دست به كار شوند. آنها در محل سنديكا اقدام به تشكيل جلسات نمودند و همه كارگراني كه در مدت ۲۰ روز به آنجا

مراسمه کرده بودند، طوماری امضا کردند. پس از آن از بین همکاران خود، چند نفر نماینده را انتخاب نمودند تا برای یک اعتصاب سراسری آنها را رهبری کنند.

نمایندگان منتخب کارگران خباز در اولین اقدام، اطلاعیه ای صادر نموده و دولت و کارفرمایان را تهدید کردند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته های شان، دست از کار خواهند کشید. اولین اطلاعیه و طوماری که به امضای ۱۳۸ نفر رسیده بود برای تمام ارگانهای دولتی ارسال شد. بلافاصله نماینده دولت از استان، عازم سقز شد و با نماینده کارگران تشکیل جلسه داد. اگر چه در این نشست، قول افزایش دستمزدها را به کارگران دادند، اما هیچ اقدام عملی جدی انجام نگرفت.

سرانجام در تاریخ ۸۹/۳/۲۵ اطلاعیه شماره یک از طرف کارگران صادر شد و در آن اعلام کردند که تصمیم گرفته اند در روز ۸۹/۳/۲۶ ساعت ۷ صبح به مدت چند ساعت دست از کار بکشند. مسئولین دولتی در شهر سقز، پس از پخش اطلاعیه، نماینده کارگران را احضار کردند و از آنان درخواست نمودند که اقدام به اعتصاب نکنند تا ما نماینده کارفرما را موظف به امضای پیمان کنیم. این مذاکرات ساعت ها ادامه داشت، اما نتیجه ای حاصل نشد و نماینده کارفرما تن به امضای پیمان دسته جمعی نمی داد.

بعد از ظهر روز پنجشنبه صدها کارگر در محل انجمن تجمع کردند و از نمایندگان منتخب خود انتقاد کردند که چرا به وعده وعیدهای مسئولین و کارفرمایان، اکتفا نموده و هیچ اقدامی نکرده اند و در همان روز چند نفر دیگر نماینده انتخاب می کنند تا به جمع نمایندگان قبلی اضافه شوند. غروب همین روز از طرف کارگران اطلاعیه دیگری صادر می شود و در آن اعلام می کنند: " ما کارگران در روز شنبه مورخه ۸۹/۳/۲۹ ساعت ۶ صبح تا ۱۰ صبح یعنی ۴ ساعت دست از کار خواهیم کشید ". این اطلاعیه سریع و در عرض چند ساعت در تمام کوچه و خیابان های شهر جهت اطلاع مردم نصب شد. ساعاتی بعد، همه جا در میان مردم، بحث از اعتصاب کارگران خباز بود.

به دنبال پخش این خبر در سطح شهر، نمایندگان کارفرما دست به کار شدند و اسامی کارگاه هایی که در روز شنبه ۸۹/۳/۲۹ تعطیل رسمی هستند را به مقام های نیروی انتظامی اعلام کردند. اعلام اسامی این کارگاهها به این دلیل بود که اگر هر کارگاه دیگری تعطیل باشد، مجرم شناخته شود و

سرانجام روز جمعه مورخ ۸۹/۳/۲۸ در حالیکه همه ارگانهای دولتی تعطیل بودند، در مرکز اداره اطلاعات شهرستان سقز، جلسه ای با حضور نماینده منتخب کارگران خباز و نماینده کارفرمایان تشکیل شد و بعد از چند ساعت گفتگو، ساعت ۹ شب پیمان دسته جمعی برای مدت یک سال به امضای دو طرف رسید.

بعد از امضای پیمان از طرف نماینده کارگران و نماینده کارفرما، " انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه " طی اطلاعیه ای از کارگران خواست تا به اعتصاب دست نزنند .

اطلاعیه انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه

ضمن تشکر و قدردانی از کلیه کارگران عزیز خباز به اطلاع کلیه همکاران گرامی ، کارگران خباز می رساند . با توجه به اینکه در تاریخ ۸۹/۳/۲۸ راس ساعت ۹ شب نمایندگان کارگران خباز از طرف انجمن صنفی و نمایندگان کارفرمایان از طرف اتحادیه در خصوص دستمزد سال ۱۳۸۹ به توافق رسیده اند .

لذا از کلیه کارگران عزیز دعوت به عمل می آید تا طبق روال گذشته به کار خود ادامه داده و جهت تنظیم برگ دستمزد جدید در بعدازظهر روز شنبه مورخ ۸۹/۳/۲۹ و دیگر روزهای آتی به انجمن صنفی مراجعه فرمایند.

با تشکر انجمن صنفی کارگران خبازیهای سقز و حومه

قابل ذکر است که شب ۸۹/۳/۲۸ جمع زیادی از کارگران در محل انجمن، منتظر نتیجه مذاکره بودند که بعد از توافق و تنظیم اطلاعیه، سریع و در همان شب به دست کارگران رساندند و یا اطلاعیه را داخل مغازه های نانوايي انداختند، تا صبح که کارگران جهت کار مراجعه می کنند آن را ببینند.

به این ترتیب کارگران برنده این میدان مبارزه نابرابر بودند. از سویی کارگرانی که به جز نیروی کارشان، هیچ چیزی در اختیار نداشتند و از سوی دیگر دولت، اداره کار، فرمانداری، اتحادیه کارفرما و نیروی انتظامی قرار داشتند که از هر نظر دارای قدرت بودند.

اما کارگران تنها با اتحاد و یکپارچه بودن خود در برابر بی عدالتی پیروز شدند. من این موفقیت را به کلیه کارگران خباز و نمایندگان آنها، تبریک می گویم و آرزو دارم که همیشه و در هر حال سر بلند و پیگیر برای احقاق حق محرومان باشند.

محمود صالحی

۵ تیر ۱۳۸۹